

فصلنامه مطالعات حقوق

Journal of Legal Studies

شماره سی و یکم. بهار ۱۳۹۸، صص ۲۵۹-۲۳۹ Vol 3. No 31. 2019, p 239-259

ISSN: (2538-6395)

شماره شاپا (۶۳۹۵-۲۵۳۸)

مقایسه، بررسی و تحلیل شرایط و احکام فرزند خواندگی در حقوق ایران، فرانسه و انگلستان

آفاق سلطان نیا

کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس، ایران

چکیده

امروزه دیگر موضوع فرزندخواندگی و سرپرستی از کودکان فاقد سرپرست یا بدسرپرست به عنوان یک پدیده نوظهور بررسی نمی‌گردد، چرا که این امر دارای پیشینه بسیار طولانی در اسلام، قوانین ایران و همچنین حقوق کشورهای اروپایی نظیر فرانسه و انگلستان است. در زمان کنونی باید به این دغدغه توجه داشت که ماهیت حقوقی فرزندخواندگی از لحاظ ارتباط با سرپرستان و احکام و آثار مترتب بر آن در شرایط قانونی ایران به چه ترتیبی است و این روند در کشورهای اروپایی با سابقه بیشتر نظیر فرانسه و انگلیس به چه ترتیبی طی شده است. فرزندخواندگی در حقوق ایران ماهیتی متفاوت با حقوق فرانسه و انگلیس دارد. در حقوق ایران روابط فرزندخواندگی و سرپرستان در محدوده سرپرستی خواهد بود ولی در حقوق انگلستان و فرانسه فرزندخواندگی در حکم فرزند واقعی تلقی می‌گردد به تبع همین تفاوت، آثار و احکام مشتمل بر فرزندخواندگی در این کشورها از یکدیگر متفاوت می‌شود.

روش تحقیق توصیفی و تحلیلی و هدف نگارنده بررسی آثار و احکام متعدد فرزندخواندگی در حقوق ایران و تطبیق این امور در دو نظام حقوقی انگلستان و فرانسه است، چرا که موضوع فرزندخواندگی به تبع خود مسائلی نظیر ازدواج سرپرست با فرزندخوانده، ارث، حضانت، نفقه و غیره را در پی دارد.

واژه‌های کلیدی: فرزندخواندگی، سرپرستی، شرایط فرزندخواندگی، حقوق فرانسه، حقوق انگلستان

بیان مسأله

ضرورت‌های حاصل از نیاز اجتماعی برای نگهداری و سرپرستی کودکان بی‌سرپرست از سوی، و برآوردن نیازهای روحی و عاطفی زوجین ناباروری که آرزوی داشتن فرزند دارند از سوی دیگر موجب گردیده است که قواعد خاصی در جهت ایجاد نوعی ماهیت حقوقی با عنوان سرپرستی در حقوق ایران مورد وضع قرار گیرد. از جمله مسائل مورد بررسی شرایط شکلی ایجاد فرزندخواندگی است که شرایط متعددی در فروضات خاصی برای آن بیان شده است. برای مثال شرایط مالی سرپرستان و اینکه در چه مواردی از این شرط معاف هستند و معیار شناسایی چه خواهد بود یا ایجاد تأسیسی به نام تعهد کتبی سرپرستان به انتقال مال در آینده و قبول این قرار توسط ایشان و اینکه این نهاد چه نوع تعهدی است و ساختار و ماهیت و شرایط ایجاد و احکام آن چگونه است و اینکه تعهد مزبور ناشی از عقد است یا ایقاع یا نمودی از تعهد یکطرفه است و چه حقوقی را برای کودک ایجاد می‌کند و در نهایت جایگاه دادگاه در خلق این اثر حقوقی چیست؛ موارد متعددی هستند که باید در بحث فرزندخواندگی به دقت تبیین و توصیف گردند. در فرانسه و انگلیس شرایط و احکام خاصی بر فرزندخواندگی حاکم است که با آنچه در حقوق ایران وجود دارد متفاوت است و نیازمند بررسی است. از جمله می‌توان به ماهیت رابطه بین فرزندخوانده و سرپرستان اشاره کرد که در حقوق این کشورها، فرزندخوانده در حکم فرزند واقعی خواهد بود و تمامی آثار و احکام به جز آثار نسبی بر آن بار می‌شود و فرزندخوانده مانند فرزند واقعی ارث خواهد برد و سایر آثار مرتبط با بنوت بر او بار خواهد شد. هرچند تفاوت‌هایی در بحث ماهیتی میان آنچه سرپرستی در حقوق ایران و فرزندخواندگی در حقوق فرانسه و انگلیس و کنوانسیون‌های مذکور وجود دارد ولی مشابهت‌هایی هم در این باب از جمله شرایط شکلی و نقش سازمان‌های حمایتی و دادگاه‌ها در ایجاد این نهاد حقوقی و همچنین پاره‌ای از تکالیف و حقوق طرفین، وجود دارد. بر این اساس در این پژوهش تلاش می‌شود تا با نگاهی تطبیقی ماهیت شرایط و آثار و احکام فرزندخواندگی در حقوق ایران، فرانسه و انگلیس مورد مطالعه قرار گیرد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

مقتضیات زمانی حال حاضر و امور مبتلا به جامعه کنونی باعث گردیده که دیگر نهاد فرزندخواندگی با شرایط گذشته مورد نظر واقع نشود و براساس مقتضیات زمانی و مکانی احکام ثانویه را در وضع قوانینی جدید مبنا قرار داده و احکام نافع به حال کودکان از طرفی و سرپرستان از سوی دیگر و همچنین اخلاق حسنه و نظم عمومی، مورد وضع قرار بگیرد یا اینکه قواعد کنونی در راستای عناوین پیش گفته مورد تفسیر قرار بگیرد. برای تحقق این امر ناگزیریم که قوانین فرزندخواندگی دیگر کشورها را در گستره حقوق تطبیقی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و راه حل‌های مناسب با حقوق خود را از این قواعد اتخاذ کرده و در مرحله تفسیری یا وضعی مورد استفاده قرار دهیم. از سوی مطالعه تطبیقی فرزندخواندگی به شکل

تطبیقی راهکاری برای شناخت این نهاد در حقوق بین‌الملل خصوصی و اینکه در کدام دسته ارتباط جای می‌گیرد و توصیفات برخی از آنها این نهاد که در حقوق ما احیاناً وجود ندارد به چه شکل براساس قانون کشورهای فرانسه و انگلستان انجام می‌گیرد؛ متمرثمم خواهد بود.

اهداف تحقیق

شناسایی مفاهیم حقوقی از لحاظ تئوری خود مشتمل بر فواید بسیاری است که شرح و بسط قواعد مرتبط با آن خود یکی از آنهاست. از سوی دیگر تلاش برای پر کردن خلاءهای حقوقی با استفاده از ماهیت شناسی قواعد در دسترس نیز برای ممانعت از صرف وقت و هزینه تصویب قوانین جدید مؤثر است. به علاوه اینکه در گستره عملی حقوق، فعالان این عرصه در برخورد با پدیده حقوقی مورد مطالعه با ابهام حقوقی برخورد نخواهند کرد.

سؤالات تحقیق

سؤال اصلی پژوهش:

– ماهیت حقوقی فرزندخواندگی از لحاظ ارتباط سرپرستان با توجه به شرایط قانونی آن در حقوق ایران فرانسه و انگلیس چیست و چه احکامی بر آن مترتب است؟

سؤالات فرعی:

– فرزندخواندگی در حقوق کشورهای محور مطالعه چه احکامی دارد؟
– شرایط شکلی پذیرش فرزندخواندگی در انگلیس و فرانسه از لحاظ تسهیل این امر چگونه است؟

فرضیه‌های تحقیق:

فرضیه اصلی:

– به نظر می‌رسد احکام و آثار مترتب بر روابط طرفین در فرزندخواندگی، در حقوق ایران و حقوق کشورهای انگلستان و فرانسه با توجه به اینکه در ایران روابط فرزندخوانده و سرپرستان در محدوده قواعد سرپرستی و نه فرزندخواندگی بحث می‌شود و در حقوق انگلستان و فرانسه نیز فرزندخوانده در حکم فرزند واقعی است متفاوت خواهد بود.

فرضیات فرعی:

– به نظر می‌رسد با توجه به ماهیت متفاوت فرزندخواندگی احکام مرتبط تنها در راستای وضع مساعد برای کودک می‌باشد در حالی که در حقوق انگلستان و فرانسه با مبنای در حکم فرزند واقعی احکام مزبور وضع شده‌اند.

– به نظر می‌رسد شرایط شکلی فرزندخواندگی از لحاظ اعطای این حق در این کشورها تفاوت چندانی نداشته باشد.

روش شناسی تحقیق:

از آنجایی که شناخت و بررسی اکثر رشته‌های علوم انسانی از منظر تئوری و علمی صورت می‌گیرد، شیوه تحقیق نگارنده در این پایان‌نامه از روش مطالعه توصیفی، تحلیلی و منطقی، با رجوع به منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی مربوط به حوزه مرتبط با موضوع مورد بحث و فیش برداری از آنها بوده است و حتی‌الامکان به بررسی رویه قضایی نیز توجه شده است.

شرایط فرزندخواندگی در حقوق ایران

گفتنی است که اصولاً به منظور سهولت در طرح مسائل و یافتن راه حل درست موضوعات مطروحه، روابط حقوقی افراد با توجه به تجانس آنها در دسته‌های مختلف تقسیم‌بندی گردیده که به آنها دسته‌های ارتباط می‌گویند. مانند اموال شخصیه، اموال و قراردادهای، که برای هر کدام قانون خاصی از دیدگاه حقوق بین‌الملل خصوصی تعیین شده است. در پارسخ به این پرسش که فرزندخواندگی در کدامیک از دسته‌های ارتباط قرار دارد باید گفت، فرزندخواندگی و سرپرستی اطفال بی‌سرپرست، در دسته احوال شخصیه قرار می‌گیرد، در این خصوص نظر مخالفی، ملاحظه نشده است، دلیل این امر آن است که اولاً، قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲، فرزندخواندگی را در ردیف سایر امور مربوط به احوال شخصیه قرار داده است.

با توجه به مقررات حقوق اسلام، در حقوق ایران نهادی به عنوان فرزندخواندگی بدین مفهوم که فرزندخوانده از هر حیث در حکم فرزند واقعی باشد و از آثار رابطه بنوت بهره‌مند شود، وجود ندارد، ولی با توجه به اینکه نوع دوستی و کمک به نیازمندان از عناصر اصلی فرهنگ ایرانی تعالیم اسلامی می‌باشد و نظر به تأکیدی که در اسلام در مورد ضرورت رسیدگی به ایتم و اطفال بی‌سرپرست مطرح گردیده است، مقررات مدونی به منظور سرپرستی اطفال بی‌سرپرست وضع گردیده و اجرا می‌شود که بعضاً از آن به فرزندخواندگی ناقص تعبیر شده است، این مقررات در قانون اساسی و قوانین عادی انعکاس یافته است. به موجب بند دوم از اصل بیست و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت موظف به حمایت از مادران و کودکان بی‌سرپرست گردیده و قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب ۱۳۵۳، نیز به

منظور تأمین منافع مادی و معنوی آنان، شرایط خاصی را برای خانواده‌هایی که می‌خواهند سرپرستی اطفال بدون سرپرست را به عهده بگیرند وضع نموده است، پس از آن نیز قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست تصویب گردید.

همچنین به موجب ماده واحده مصوب ۶۲/۸/۱ قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست، دولت نسبت به تضمین بیمه و رفاه زنان و کودکان بی‌سرپرست مکلف گردیده است. صدور حکم قطعی سرپرستی و حتی صدور شناسنامه جدید برای طفل با مشخصات زوجین سرپرست و نام خانوادگی زوج، موجب قطع رابطه خویشاوندی طفل با پدر و مادر واقعی وی نخواهد شد. قانونی که در زمینه فرزندخواندگی در حقوق ایران وجود داشت و در بحث جدیدی که در قوانین جدید مطرح شده است تفاوتی را در زمینه فرزندخواندگی در حقوق ایران به وجود آورده است.

مطابق ماده ۳ قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب ۱۳۵۳ باید تقاضا نامه ای از طرف زن و شوهر تنظیم و تسلیم دادگاه می‌گردید، همچنین در مورد دادگاه نیز باید گفت که دادگاه صلاحیتدار برای رسیدگی به کلیه امور مربوط به این قانون، دادگاه خانواده است. اما مطابق با قوانین جدید تقاضانامه درخواست کنندگان سرپرستی باید به سازمان بهزیستی ارائه گردد و سازمان مکلف است حداکثر پس از دو ماه نسبت به اعلام نظر کارشناسی آن را به دادگاه صالح تقدیم دارد. دادگاه با احراز شرایط مقرر در این قانون و با لحاظ نظر به سازمان نسبت به صدور قرار سرپرستی آزمایشی شش ماهه اقدام می‌نماید. قرار صادره به دادستان، متقاضی و سازمان ابلاغ می‌گردد.

دادگاه صالح پس از وصول درخواست سرپرستی برابر ماده ۴ قانون حمایت از اطفال بدون سرپرست، قبل از صدور حکم سرپرستی، بدو پس از کسب نظر مؤسسه یا شخصی که کودک تحت سرپرستی موقت اوست و بعد از بررسی وضع زوجین متقاضی، چنانچه مصلحت بداند با صدور قرار دوره آزمایشی، طفل را برای مدت شش ماه به زوجین متقاضی سرپرستی خواهد سپرد و در این مدت آزمایشی به طرق مختلف نحوه زندگی کودک در خانواده، مورد بازرسی و کنترل قرار خواهد گرفت. اگر دادگاه در اثر گزارش مؤسسه‌ای که طفل قبلاً در آنجا تحت مراقبت قرار داشته یا انجمن‌ها و سازمان‌های دیگر، و یا در اثر تحقیق با هر وسیله‌ای که مقتضی می‌داند، تشخیص دهد که مصلحت نیست طفل مزبور در این خانواده تحت سرپرستی قرار گیرد، قرار موقت را فسخ خواهد کرد. بعد از سپری شدن دوره آزمایشی و موقت، چنانچه قرار فسخ نشده و گزارشی از بدرفتاری سرپرست‌ها نسبت به طفل واصل نگردد، دادگاه حکم سرپرستی دائمی صادر خواهد کرد و در این صورت کودک به طور دائم تحت سرپرستی زوجین متقاضی سرپرستی قرار خواهد گرفت. حکم دائمی سرپرستی نیز مانند قرار موقت سرپرستی قابل تجدید نظر خواهی است.

به موجب ماده ۸ قانون جدید «سپردن سرپرستی افراد موضوع این قانون در صورتی مجاز است که دارای یکی از شرایط ذیل باشند: . . . ج» افرادی که سرپرستی آنان به موجب حکم مراجع صلاحیت‌دار به سازمان سپرده گردیده و تا زمان دو سال از تاریخ سپردن آنان به سازمان، پدر یا مادر و یا جد پدری برای سرپرستی

آنان مراجعه ننموده باشند. « در قوانین قبلی ذکر شده بود که فرزندخوانده فقط به والدینی داده می‌شود که حداقل ۵ سال از ازدواج آنها گذشته باشد و صاحب فرزند نشده باشند، اما در قوانین جدید باز هم اولویت اول با این گروه است اما در اولویت دوم خانواده‌هایی که یک فرزند داشته باشند اما به عللی دیگر صاحب فرزند نمی‌شوند نیز می‌توانند فرزندخوانده بگیرند.

در این قانون گروه سومی که در اولویت بعدی دریافت فرزندخوانده هستند، زنان و دختران مجردی هستند که از موقعیت و جایگاه مطلوب اقتصادی و اجتماعی برخوردارند اما به هر علت ازدواج نکرده‌اند. در این مورد شناسنامه کودک به نام فامیل مادر برای کودک صادر می‌شود. البته ایشان فقط حق سرپرستی انان را دارند. عده زیادی از کودکان بهزیستی دارای پدر، مادر یا جد پدری هستند که به هر دلیل به علت زندان بودن آنها، طلاق، نداشتن صلاحیت یا هر علت دیگر در بهزیستی نگهداری می‌شوند و مطابق قانون سابق امکان واگذاری به صورت سرپرستی موقت وجود نداشت که این معضل نیز در قوانین جدید حل و فصل شده است.

در مورد قوانین حاکم بر فرزندخواندگی ایرانیان غیرمسلمان نیز باید گفت که اقلیتهای دینی غیرمسلمان ایرانی از جمله مسیحی، یهودی، و زرتشتی که به موجب اصل ۱۳ قانون اساسی به رسمیت شناخته شده‌اند فرزندخواندگی را پذیرفته‌اند. در خصوص این اقلیتها به موجب بند ۳ قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲، در مسائل مربوط به فرزندخواندگی، عادات و قواعد مسلمة متداول در مذهبی که پدرخوانده یا مادرخوانده پیرو آن است، رعایت می‌شود. بنابراین طبق این قانون فرزندخواندگی برای اقلیتهای دینی منشاء اثر حقوقی می‌باشد. رعایت مقررات مذهب پدرخوانده یا مادرخوانده مشروط بر این است که اولاً، اقلیت دینی مورد بحث یکی از اقلیتهای سه‌گانه مسیحی، یهودی و زرتشتی باشد. ثانیاً عادات و قواعد مورد استناد، مسلم و متداول بوده و از جمله رسوم و عادات مردد و یا منسوخ و متروک در اقلیت دینی مربوطه نباشد. ثالثاً مخالف نظم عمومی ایران تلقی نشود. قانون حمایت از کودکان بی سرپرست ۱۳۵۳ در ماده ۱۳ خود با تأکید بر مورد فوق مقرر می‌دارد که مقررات قانون احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در مورد فرزندخواندگی به اعتبار خود باقی است (مختاری افرکتی، ۱۳۹۲: ۱۳۸). در مذهب زرتشتیان، فرزندخواندگی پذیرفته شده است و فرزندخوانده در حقیقت به منزله فرزند حقیقی است و در باب ارث نیز وارث کسی خواهد بود که او را به عنوان فرزندخوانده قبول کرده است. در مکتب زرتشت تعیین فرزندخوانده که به منزله فرزند حقیقی است با رعایت مقررات زیر است:

در موردی که زن و شوهر بی اولاد با موافقت یکدیگر از زرتشتیان کسی را به سمت فرزند خود برگزیده باشد.

هرکس خوانده اختیار کند آن فرزند خوانده وارث شخص محسوب می‌شود و اگر بعداً ازدواج کند و فرزندی از او به وجود آید فرزندخوانده نیز در ردیف یکی از آن فرزندان به شمار آمده و در حقوق و مقررات مانند یک فرزند حقیقی محسوب می‌شود (مختاری افرکتی، ۱۳۹۲: ۱۳۸). در مورد قانون حاکم بر

فرزندخواندگی در خصوص بیگانگان مقیم ایران، در مقررات مدون ایران حکم صریحی ملاحظه نشده است، البته همانطور که بیان گردید واضح است که موضوع در خصوص ایرانیان غیرشیعه بیان گردیده، ولی در مورد بیگانگانی که در ایران با مسأله فرزندخواندگی مواجه هستند قانون از این حیث ساکت می‌باشد و موضوع کمتر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در این باره برخی معتقدند که زن و شوهری می‌توانند تقاضای سرپرستی کودک را بکنند که مقیم ایران باشند، تابعیت آنان در قبول تقاضا از طرف دادگاه نقشی ندارد. پس زن و شوهر خارجی نیز می‌توانند در ایران کودکی را به فرزندی بپذیرند و روابط آنان با کودک پذیرفته شده، تابع قوانین ایران است. بدین ترتیب، قانونگذار درباره فرزندخواندگی از قاعده شخصی بودن قوانین حاکم بر احوال شخصیه (مواد ۶ و ۷ قانون مدنی) عدول کرده و آن را تابع قانون اقامتگاه قرار داده است. ولی یک نظریه دیگر موضوع را تابع قانون متبوع پدرخوانده دانسته و بیان می‌دارد که در مورد فرزندخواندگی صرفاً این توضیح داده می‌شود که در حقوق ایران تأسیس قانونی فرزندخواندگی جز در مورد اتباع خارجه (چنانچه قانون متبوع پدرخوانده این تأسیس را شناخته باشد) و یا متدینان به سایر ادیان رسمی غیراسلامی (به موجب قانون ۱۳۱۲) پذیرفته نشده است و مثلاً، طفلی که به موجب مقررات مربوط به تعیین سرپرست قانونی، به وسیله دادگاه تحت سرپرستی شخصی قرار می‌گیرد از سرپرست مذکور ارث نمی‌برد ولیکن فرزندخوانده متوفای خارجی ممکن است با رعایت قانون ملی متوفی، ارث نیز ببرد زیرا فرزندخواندگی جزء احوال شخصیه و تابع قانون متبوع پدرخوانده است. بنابراین با قبول اینکه فرزندخواندگی از مصادیق و موضوعات مربوط به احوال شخصیه است، مستنداً به ماده ۶ و ۷ قانون مدنی قانون متبوع شخصی که فرزندخواندگی او مورد بحث و رسیدگی است به عنوان قانون حاکم و صالح و مختار و مورد قبول می‌باشد.

آنچه به نظر می‌رسد این است که چون فرزندخواندگی در فقه اسلام و حقوق ایران به رسمیت شناخته نشده است و قانونگذار ایران نهاد مستقلی را به عنوان سرپرستی کودکان بدون سرپرست تأسیس نموده، و آن را نسبت به هر زن و شوهر مقیم ایران که متقاضی سرپرستی باشند قابل اجرا دانسته است، بنابراین باید قانون ماهوی ایران را حاکم بر ایجاد رابطه مذکور بدانیم. ولی در پاسخ به ایراد احتمالی که چنانچه فرزندخواندگی در خارجه صحیحاً ایجاد شده و در ایران به اثری از آثار آن استناد شود، اگر قانون ایران را حاکم بر موضوع بدانیم باید از شناسایی رابطه مذکور خودداری نموده و حکم به بی حقی فرزندخوانده بدهیم که این موضوع، خلاف عدالت و انصاف، و اصل اعتبار حقوقه مکسبه می‌باشد. گفتنی است که در مورد مذکور باید به تفکیک بین مرحله ایجاد حق با مرحله اثرگذاری حق توجه نمود، یعنی چنانچه در مرحله ایجاد حق و شروع رابطه مذکور باشیم و مثلاً افراد خارجی که فرضاً دارای تابعیتهای مختلف می‌باشند بخواهند در ایران فرزندی را تحت سرپرستی بگیرند، با مرحله اثرگذاری حق و این که افرادی بخواهند از رابطه فرزندخواندگی که صحیحاً در خارجه به وجود آمده است، در ایران استفاده نموده و به اثری از آثار آن استناد نمایند، تفاوت وجود دارد.

در مرحله اول یعنی در مرحله ایجاد حق، هرگاه افرادی بخواهند در ایران، فرزندی را تحت سرپرستی داشته باشند با توجه به ماده ۱ قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست که مقرر می‌دارد: «هر زن و شوهر مقیم ایران می‌توانند با توافق یکدیگر طفلی را با تصویب دادگاه و طبق مقررات این قانون سرپرستی نمایند»، جمله «زن و شوهر مقیم ایران»، اعم از اتباع ایران و خارجه بوده و نیز اعم از این است که زوجین و کودکانی که تحت سرپرستی قرار می‌گیرند دارای تابعیت واحد یا مختلف باشند، و نیز برای همین قانون زوجین متقاضی سرپرستی باید دارای شرایط مذکور در ماده ۳ قانون فوق بوده و احراز شرایط نیز با دادگاه ایران است. و همچنین به استناد مواد ۷ و ۸ قانون مذکور به نظر می‌رسد که قانون حاکم در مرحله ایجاد حق، قانون ایران خواهد بود و در این مورد، قوانین عمومی ایران از قبیل مقررات قانون مدنی و قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست بر موضوع حکومت دارد و در همین رابطه ماده ۲ قانون مذکور تأکید نموده است که: «این سرپرستی به منظور تأمین منافع مادی و معنوی طفل برقرار می‌گردد ولی در هر حال از موجبات ارث نخواهد بود». و تأکید در مورد این که سرپرستی مذکور «در هر حال از موجبات ارث نخواهد بود»، دلیل بر این امر است که قانونگذار در این مرحله صرفاً مقررات ایران را حاکم بر موضوع می‌داند. اما در مرحله دوم، یعنی در مرحله اثرگذاری حق و در مواردی که رابطه فرزندخواندگی در خارجه صحیحاً ایجاد شده مثلاً فرزندخوانده بخواهد در ایران از پدرخوانده‌اش مطالبه نفقه نماید یا در مورد ارث مسأله‌ای داشته باشد با توجه به این که فرزندخواندگی از مسائل مربوط به احوال شخصیه است، و با توجه به ماده ۷ قانون مدنی، در صورت وحدت تابعیت آنان، موضوع تابع قانون دولت متبوع آنان خواهد بود. و با توجه به اینکه قانون ایران، نهاد فرزندخواندگی را علیرغم این که در حقوق داخلی به رسمیت نشناخته ولی نسبت به ایرانیان غیرشیعه با صراحت معتبر دانسته است، پذیرش فرزندخواندگی که در خارج بوجود آمده است نه تنها با نظم عمومی ایران منافاتی نخواهد داشت، بلکه من ملحوظ داشتن عدالت و انصاف، حقوق مکنتسبه افراد هم رعایت شده است (متولی، ۱۳۹۰). نهایتاً می‌توان به ماده ۴ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست اشاره کرد که مقرر می‌دارد «ایرانیان مقیم خارج از کشور می‌توانند تقاضای سرپرستی خود را از طریق سفارتخانه یا دفاتر حفاظت از منافع جمهوری اسلامی ایران به سازمان تقدیم نمایند. سفارتخانه‌ها و یا دفاتر یاد شده موظفند در اجرای این قانون، با سازمان همکاری نمایند و سازمان موظف است با حکم دادگاه صالح به درخواست متقاضی رسیدگی نماید».

شرایط فرزندخواندگی در حقوق فرانسه

از قرن ۱۷ تا به امروز، در تمام این خانواده بزرگ حقوقی، فرزندخواندگی قرارداد محسوب نمی‌شود و دادگاه‌ها صرفاً نقشی نظارتی ایفاء نمی‌نمایند بلکه فرزندخواندگی یک تصمیم قضایی است که طبق قانون، تنها مرجع صالح برای ایجاد آن، دادگاه است (Juqueline rubline- devichice, droit de la

famile, dallos action 1999. N. 1603) خارج کردن فرزندخواندگی از قالب قرارداد، مزایای بسیاری را به همراه داشته است که موجب شده تمام این خانواده، قرن‌ها به آن احترام بگذارند. سازمان‌های اجتماعی که برای صیانت از بنیان‌های اجتماعی به ویژه نهاد خانوادگی به وجود آمده‌اند، برای ایفای وظایفشان نیاز به ابزارهایی دارند تا به آنها، قدرت اعمال نفوذ در حیطه تکالیفشان را بدهد. فرزندخواندگی از جمله مهمترین نهادهای حقوقی خانواده محسوب می‌شود، تجارب کودکان (برای مقاصد متعدد نامشروع جنسی، پزشکی، آزمایشگاهی و کار) دولت‌ها را مجبور می‌سازد تا نسبت به تمام امکان‌های سوءاستفاده از رابطه فرزندخواندگی حساس گردیده و اقدامات پیشگیرانه جدی را اتخاذ نمایند. وجود قوانین مشروح و مفصل در نظام رومی- ژرمنی بالاخص در مورد فرزندخواندگی، از ویژگی‌های مهم این نظام می‌باشد که بدون تردید، نتیجه وقایع بعد از جنگ جهانی دوم و ماحصل کنوانسیون‌های متعدد بین‌المللی است. در تمام نظام رومی- ژرمنی فرزندخواندگی به دو نوع ساده و کامل تقسیم می‌شود: اگرچه این تقسیم‌بندی در همه جا معنای واحدی ندارد، به ویژه اینکه شرایط هر یک از انواع فرزندخواندگی و آثار مربوط به آن، از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. با تمام این تفاوتها، فرزندخواندگی کامل، رابطه عمیق تری بین اولیاء فرزندخواندگی و فرزندخوانده ایجاد می‌کند، در مقابل فرزندخواندگی ساده، علقه‌های خود را با والدین حقیقی خود حفظ می‌کند. در هر دو شکل فرزندخواندگی باید اصل «سری بودن اصلیت کودک نسبت به سایرین» و «حق بنیادی کودک در اطلاع از نسب خود» محفوظ بماند.

امروزه می‌توانیم عنوان نماییم که قبول یک کودک به عنوان فرزندخوانده، توسط یک خانواده، به سلیقه قانون بستگی داشته و به موجب حکم دادگاه ایجاد می‌شود، و اگر نسبت به قواعد آن بی‌احترامی شود، نه تنها دولت موجبات تحقق فرزندخواندگی را فراهم نمی‌سازد بلکه در صورت تخطی، با متخلفان برخورد مدنی و کیفری می‌کند (Charrier (f), adoption function social. J. C. P, 1994, p (105) فرزندخواندگی ساده در تمام خانواده رومی- ژرمنی از لحاظ شرایط فرزندخواندگی بسیار آسان تلقی می‌شود فرزندخواندگی کامل، به دلیل ویژگی‌های خاص خود، روند قضایی مشکلی را طی می‌نماید و دادگاه هم برای تحقق و احراز فرزندخواندگی کامل اصرار ویژه‌ای دارد. در این خصوص سن زوجین می‌بایست حداقل ۲۵ سال باشد اما برای اشخاصی که می‌خواهند فرزند طبیعی خود یا همسرشان را که حاصل از قرابت طبیعی می‌باشد، به فرزندخواندگی قبول کنند این سن تا ۲۱ سالگی کاهش می‌یابد.

حقوقدانان فرانسوی فرزندخواندگی کامل را به عنوان «در حکم فرزند قانونی» چنین توصیف می‌کنند: «فرزندخواندگی کامل، جدایی کامل کودک از خانواده اصلی‌اش (غیر از نسب و همسر) و پیوستن به خانواده دیگری می‌باشد». Encyclopedle Juridique. Tome 1 solang betan-Robert. 1997 Dalooz paris. به علاوه «فرزندخواندگی کامل تمام روابط فرزندخوانده را از اولیاء اصلی‌اش به اولیاء فرزندخواندگی منتقل می‌کند (غیر از رابطه بیولوژیکی و نسب و...»

فرزندخواندگی ساده چنین تعریف شده است که «رابطه‌ای به توافق اراده فرزندخوانده و اولیا فرزندخواندگی، و در صورت صغیر بودن فرزندخوانده، به توافق امین یا قیم وی با اولیا فرزندخواندگی گفته می‌شود» (Ambrios Coline€ 1991. Page 307)

همانطور که سابقاً توضیح داده شد، فرزندخواندگی ساده به توافق طرفین بستگی دارد لیکن کلیات آن می‌بایست در چارچوب و حدود قانون باشد، در مقابل، تمام شرایط فرزندخواندگی کامل در قانون توضیح داده شده است. فرزندخواندگی کامل در فرانسه به اطفال زیر ۱۵ سال نیز امکان دارد. طبق بند ۱ ماده ۳۴۳ از قانون مدنی فرانسه، فرزندخواندگی برای آن دسته از زوجینی امکانپذیر است که حداقل ۲ سال از ازدواج آنها گذشته باشد یا هر دوی آنها بیش از ۲۸ سال سن داشته باشند. همچنین فرزندخواندگی توسط کسانی که با یکدیگر علقه زوجیت قانونی ندارند، ممنوع می‌باشد مگر اینکه کودک فرزند طبیعی آنها باشد یا کسانی که در تفریق جسمانی به سر می‌برند، می‌توانند کودکی را به فرزندخواندگی بپذیرند، به علاوه منعی برای فرزندخواندگی همسر وجود ندارد. در حقوق فرانسه، فرزندخواندگی افراد مجرد اکیداً ممنوع اعلام شده است. حتی اگر فرزند همسر به عنوان فرزندخوانده مدنظر باشد. طبق بند ۵ ماده ۳۴۸ قانون مدنی فرانسه، فرزندان زیر ۲ سال که تحت حمایت سازمان «تأمین اجتماعی کودکان» قرار دارند به عنوان فرزندخوانده به زوجین پیشنهاد می‌شوند. سنی که برای فرزندخواندگی کودکان مطرح است نسبت به تابعیت آنها متفاوت است، حداقل سن برای کودکان فرانسوی ۳ ماه و برای اطفال خارجی از بدو تولد است (John Bqll. Sophie Boyron. Oxford 1998. Pages 47). با تمام اهمیتی که دولت فرانسه به فرزندخواندگی اطفال فرانسوی می‌دهد، پذیرش فرزندخواندگی در فرانسه نسبت به کودکان خارجی بیشتر از کودکان فرانسوی است و این در حالی است که طبق قانون ۷ نوامبر ۱۹۸۴ سازمان فعالیت‌های بهداشتی و اجتماعی کودکان مالیات بیشتری را برای پذیرش فرزندخواندگی کودکان خارجی تعیین نموده است. سازمان فعالیت‌های بهداشتی و اجتماعی کودکان مهمترین مرجعی است که در فرانسه به تحقیق و بررسی و معرفی این نهاد حقوقی می‌پردازند، طبق قانون ۱۵ آوریل ۱۹۴۳، پرونده‌های قبلی هم در این سازمان نگهداری می‌گردد و کارشناسان این سازمان کاملاً مورد تأیید دادگاه‌های فرانسوی از جهت رسیدگی به مسأله فرزندخواندگی می‌باشند.

در کنار این سازمان دولتی، دولت فرانسه به آژانس‌های خصوصی نیز امکان فعالیت در زمینه تحقیق و بررسی و معرفی فرزندخواندگی را داده است. البته بر فعالیت‌های آژانس‌های خصوصی، سازمان فعالیت‌های بهداشتی و اجتماعی کودکان نظارت می‌کند. همچنین سازمان‌های کمک‌های مردمی، در این گونه زمینه‌ها نقش فعالی دارند. در فرانسه برای فرزندخواندگی دو مرحله جهت نگهداری طفل و نظارت بر رابطه فرزندخواندگی وجود دارد. در مرحله دوم طرفین فرزندخواندگی کاملاً معلوم می‌شوند، طبق بند ۳ ماده ۳۴۸ قانون مدنی فرانسه، مدت اولیه ۲ ماه و مدت آزمایشی ۶ ماه می‌باشد.

شرایط فرزندخواندگی در حقوق انگلستان

همانطور که پیشتر و در قسمت تاریخچه فرزندخواندگی اشاره شد در انگلستان مسئله فرزندخواندگی بدواً به صورت اخلاقی دنبال می‌شد. خانواده‌ها، کودکان بی‌سرپرست را فارغ از هر عنوان قانونی به سرپرستی گرفته و از آنها مراقبت می‌نمودند. این خلأ قانونی در طول زمان موجب افزایش فشار برای تدوین قوانین و نهادی منسجم، در آن کشور شد که تا قبل از سال ۱۹۲۹ در انگلستان امکانپذیر نبود. با وضع قانون فرزندخواندگی صغار مصوب ۱۹۲۹، فرزندخواندگی مورد پذیرش واقع و براساس اصلاحات قانون فرزندخواندگی در سال‌های ۱۹۵۸ و ۱۹۶۴ و نهایتاً به وسیله الحاقیه به قانون فرزندخواندگی در سال ۱۹۷۵ این نهاد سیر تکامی خود را پیمود.

قانون فرزندخواندگی ۱۹۶۸ بدین منظور تصویب گردید که مقررات این کنوانسیون کنفرانس لاهه را، به مورد اجرا بگذارد، معذالک قواعد صلاحیتی که به موجب بند ۲۴ قانون راجع به کودکان در سال ۱۹۷۵ وضع شد، جانشین مقررات صلاحیتی قانون ۱۹۶۸ که تا آن زمان اجرا می‌شد، گردید. اما کنوانسیون فوق‌الذکر در جولای ۱۹۷۸ در مورد قبول مجلس قرار گرفته و در حال حاضر مقررات اصلاح شده کنوانسیون و ماده ۲۴ قانون ۱۹۷۵ و باقیمانده مقررات قانون ۱۹۶۸ درباره فرزندخواندگی اجرا می‌شود.

قانون قابل اعمال نسبت به فرزندخواندگی، امتزاجی از قانون انگلیس و قانون متبوع متقاضی و کودک می‌باشد، اگر کودک تبعه کشور پادشاهی انگلیس نباشد، در این حالت قانون کشوری که به کنوانسیون ملحق گردیده و کودک تابعیت آن را دارد باید نسبت به موضوع اعمال گردد (متولی، ۱۳۸۹).

اگر فرزندخواندگی به موجب قانون کشور متبوع متقاضی ممنوع باشد و این ممنوعیت تحت شرایط مقرر در کنوانسیون به دولت انگلیس اطلاع داده شده باشد، دادگاه انگلیس باید از صدور دستور فرزندخواندگی، امتناع ورزد. چنانچه متقاضی مقیم انگلستان باشد و کودک در خارج از انگلستان اقامت داشته باشد، در چنین موردی دادگاه برای بررسی شرایط اصلی، از قبیل سن طرفین و رضایت خویشاوندان، قانون خارجی اقامتگاه کودک را که در بسیاری از موارد با مقررات قانون انگلیس در این زمینه‌ها تفاوت دارد، ملاک عمل قرار می‌دهد. با وجود این، طرز نگارش قوانین انگلیس در این زمینه، به نحوی نیست که عدم رعایت قانون اقامتگاه کودک توسط دادگاه انگلیسی، موجبات بطلان دستور فرزندخواندگی صادره از ناحیه این دادگاه را فراهم آورد، بلکه حتی اگر دادگاه اعمال قانون خارجی را به نفع کودک نداند، باید منحصرأ به قانون مقرر دادگاه (قانون انگلیس) رجوع نماید.

البته در حقوق انگلیس، در موردی که هدف نهایی از تحصیل حکم فرزندخواندگی، تحصیل تابعیت انگلیس بوده است، دادگاه براساس رعایت نظم عمومی انگلیس از صدور حکم فرزندخواندگی، امتناع نموده است (Lord, Jenifer, 2016 editon, p 131)

اصولاً در حقوق انگلستان فرزندخواندگی چنین تعریف می‌شود «فرزندخواندگی، روش فراهم آوردن یک خانواده جدید برای بچه‌هایی است که نمی‌توانند نزد والدین اصل خودشان نگهداشته شوند» (Ibid)

این یک روند اجرایی قانونی و حقوقی است که در آن تمام مسئولیت والدین به پدرخوانده و مادرخوانده انتقال داده می‌شود. اثر حکم فرزندخواندگی، قطع مسئولیت و حقوق والدین اصلی و انتقال مسئولیت و حقوق به شخص یا اشخاص پذیرنده (والد یا والدین پذیرنده) می‌باشد. پس از اتمام مرحله پایانی فرزندخواندگی، هیچ اختلاف و تفاوت حقوقی و قانونی، بین فرزندان به فرزند پذیرفته شده و آن بچه‌هایی وجود ندارد که توسط این والدین به دنیا آمده‌اند.

در این نهاد فرزندخواندگان دارای حقوق همسان با سایر فرزندان والد یا والدین پذیرنده می‌باشند و تفاوتی میان آنها نیست (www.Adoptionuk.com) باید توجه داشت روند ورود فرزندخوانده به خانواده از طریق فرزندخواندگی به وسیله فرزندخوانده Adopter تا قبل از سال ۱۹۲۹ در انگلستان امکانپذیر نبود، با وضع قانون فرزندخواندگی صغار مصوب ۱۹۲۹ فرزندخواندگی مورد پذیرش واقع و براساس اصلاحات به عمل آمده توسط قانون فرزندخواندگی مصوب ۱۹۵۸-۱۹۶۴ و نهایتاً به وسیله الحاقیه به قانون فرزندخواندگی در سال ۱۹۷۵، این نهاد سیر تکاملی خود را پیمود. مطابق آخرین اصلاحیه، از لحاظ حقوق انگلیس، ضرورتاً اشخاصی که به عنوان فرزندخوانده پذیرفته می‌شوند، می‌بایست متأهل نبوده و سن آنان کمتر از ۱۸ سال باشد. به عبارت دیگر در حقوق انگلستان از منظر شرایط سنی برای افرادی که می‌توانند به عنوان فرزندخوانده تحویل خانواده‌ای شوند به این ترتیب است که هر شخص زیر هیجده سال واجد شرایط فرزندخواندگی است، مشروط بر این که ازدواج نکرده باشد.

البته در عمل و در رویه‌ای که وجود دارد نود درصد کل فرزندخواندگی‌ها در میان کودکان زیر ده سال صورت می‌گیرد (Padifild and Barke, op. cit, p:162) همچنین از نظر شرایط سنی افرادی که می‌خواهند فرزندخوانده را تحویل بگیرند باید گفت که در حقوق انگلستان متقاضی یا یکی از متقاضیان مشترک برای فرزندخواندگی باید حداقل به سن بیست و پنج سالگی رسیده باشند. با صدور قرار فرزندخواندگی از ناحیه دادگاه صالح در زمینه تشخیص شرایط و اعطای فرزندخوانده به متقاضی یا متقاضیان، حقوق و تکالیف والدین طبیعی یا قیم ملغی می‌شود و این حقوق و تکالیف به کسانی که کودک را به فرزندخواندگی پذیرفته‌اند، منتقل می‌شود.

در حقوق انگلیس در صورت صدور حکم فرزندخواندگی، تمام حقوق، تکالیف، تعهدات و اقتدار والدین در زمینه حضانت، نفقه، تعلیم و تربیت به پدرخوانده واگذار می‌گردد، گویی که این فرزند، از روابط زناشویی پدرخوانده و مادرخوانده، توکد یافته است (www.adoptionmatters.Org)

در سال ۱۹۶۴ میلادی کنفرانس لاهه در مورد حقوق بین‌الملل خصوصی کنوانسیون در خصوص فرزندخواندگی تدوین کرد که در سال ۱۹۶۵ به امضاء رسید. این کنوانسیون به مسائلی چون صلاحیت قضایی، انتخاب قانون حاکم و به رسمیت شناختن فرزندخواندگی‌های خارجی مربوط بوده است. به عبارت دیگر در حقوق انگلستان با وقوع فرزندخواندگی، فرض می‌شود که کودک، فرزند مشروع پدر و مادر اکتسابی بوده و بسیاری از علایق قبلی از بین می‌رود، حتی گاه والدین طبیعی از هویت سرپرستان

مطلع نیز نمی‌شوند. فرزندخوانده‌ها دارای همان حقوق ارث که براساس وصیتنامه، اسناد و فوت بدون وصیت ایجاد می‌شود و کودکان طبیعی متولد شده از سرپرستان در خلال زناشویی دارند مگر این که فرزندخوانده به صراحت استثناء شده باشد. در کشور انگلستان در یک پرونده که مادر طبیعی کودک با حکم واگذاری فرزندخواندگی کودک به یک زوج همجنس باز مخالفت کرده بود پس از آن که کودک به مدت دو سال تحت سرپرستی این زوج بود، به نظر دادگاه رسیدگی کننده به این دعوی، کودک به خوبی پرورش یافته و رشد نموده بود و تصمیم دادگاه این بود که در قانون فرزندخواندگی مصوب ۱۹۷۶ هیچ چیز مانع از منع فردی که تمایل به پذیرش فرزندخوانده دارد، نمی‌شود حتی اگر فرد مورد نظر در زمان پذیرش فرزندخواندگی زندگی مشترک یا روابط همجنس بازی داشته باشد (ترازی، شماره ۴۸، ۱۳۹۳)

ابعاد حقوقی سرپرستی

در این مبحث شرایط اختصاصی برای احراز صلاحیت متقاضیان سرپرستی و فرزندخواندگی کودکان بی‌سرپرست یا بدسرپرست و همچنین شرایط قانونی افرادی که توانایی فرزندخوانده شدن را دارند و همچنین آثار و رویه ختم و یا فسخ فرزندخواندگی طبق قوانین موجود بررسی خواهد گردید.

شرایط سرپرستی

طبق قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ افراد زیر می‌توانند سرپرستی کودکان و نوجوانان مشمول این قانون را از سازمان درخواست نمایند.

الف- زن و شوهری که پنج سال از تاریخ ازدواج آنان گذشته باشد و از این ازدواج صاحب فرزند نشده باشند، مشروط به اینکه حداقل یکی از آنان بیش از سی سال سن داشته باشد.

ب- زن و شوهر دارای فرزند مشروط بر این که حداقل یکی از آنان بیش از سی سال سن داشته باشد.

ج- دختران و زنان بدون شوهر، در صورتی که حداقل سی سال سن داشته باشند، منحصرأ حق سرپرستی آنان را خواهند داشت.

چنانچه به تشخیص سازمان پزشکی قانونی امکان بچه‌دار شدن زوجین وجود نداشته باشد، درخواست کنندگان از شرط مدت پنج سال مقرر در بند (الف) این ماده مستثنی می‌باشند.

چنانچه درخواست کنندگان سرپرستی از بستگان کودک یا نوجوان باشند، دادگاه با اخذ نظر سازمان و با رعایت مصلحت کودک و نوجوان می‌تواند آنان را از برخی شرایط مقرر در این ماده مستثنی نماید.

ضمناً گفتنی است که درخواست کنندگان کمتر از پنجاه سال سن، نسبت به درخواست کنندگانی که پنجاه سال و بیشتر دارند، در شرایط مساوی اولویت دارند. در خصوص والدین پذیرنده در قانون حمایت از

کودکان و نوجوانان بدون سرپرست و بدسرپرست شرایطی بیان شده است. در ماده ۶ این قانون آمده است که درخواست کنندگان سرپرستی باید دارای شرایط زیر باشند:

الف - تقید به انجام واجبات و ترک محرمات.

ب - عدم محکومیت جزائی مؤثر با رعایت موارد مقرر در قانون مجازات اسلامی

ج - تمکن مالی

د - عدم حجر

هـ - سلامت جسمی و روانی لازم و توانایی عملی برای نگهداری و تربیت کودکان و نوجوانان تحت سرپرستی

و - نداشتن اعتیاد به مواد مخدر، مواد روانگردان و الکل

ز - صلاحیت اخلاقی

ح - عدم ابتلاء به بیماری‌های واگیر و یا صعب‌العلاج

ط - اعتقاد به یکی از ادیان مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

در قوانین جدیدتر سن فرزندخواندگی از ۱۲ سال به ۱۶ سال افزایش یافته است. به موجب ماده ۹ قانون جدید «کلیه کودکان و نوجوانان نابالغ و نیز افراد بالغ زیر ۱۶ سال که به تشخیص دادگاه، عدم رشد و نیاز آنان به سرپرستی احراز شود و واجد شرایط مذکور در ماده ۸ این قانون باشند، مشمول مفاد این قانون می‌گردند».

در قوانین گذشته کودکانی قابل واگذاری از سوی بهزیستی بودند که ۳ سال از سرپرستی آنها در بهزیستی گذشته باشد، این زمان در قانون جدید به ۲ سال کاهش می‌یابد، زیرا هر سال که می‌گذرد شانس فرزندخواندگی یک کودک با افزایش سن کاهش می‌یابد چون اکثر والدین، متقاضی و خواستار داشتن کودکان خردسال‌تر هستند.

ضمناً در صورتی که متقاضی سرپرستی، ادعای یافتن طفلی را بنماید و ادعای وی در دادگاه ثابت شود، چنانچه واجد شرایط مندرج در این قانون برای سرپرستی باشد در اولویت واگذاری سرپرستی قرار می‌گیرد.

همچنین گفتنی است که درخواست کنندگان نمی‌توانند بیش از دو کودک یا نوجوان را سرپرستی نمایند مگر در مواردی که کودکان یا نوجوانان تحت سرپرستی، اعضای یک خانواده باشند. کلیه کودکان و نوجوانان نابالغ و نیز افراد زیر شانزده سال که به تشخیص دادگاه، عدم رشد و یا نیاز آنان به سرپرستی احراز شود و واجد شرایط مذکور در ماده (۸) این قانون باشند، مشمول مفاد این قانون می‌گردند. در کلیه مواردی که هیچ یک از پدر، مادر یا جد پدری یا وصی منصوب از سوی ولی قهری صلاحیت سرپرستی را ولو با ضم امین یا ناظر نداشته باشند، دادگاه می‌تواند مطابق این قانون و با رعایت مواد (۱۱۸۴) و (۱۱۸۷) قانون مدنی و با اخذ نظر مشورتی سازمان، مسئولیت قیم یا امین مذکور در این مواد را به یکی از

درخواست‌کنندگان سرپرستی واگذار نمایند. سپردن سرپرستی افراد موضوع این قانون در صورتی مجاز است که دارای یکی از شرایط ذیل باشند:

الف- امکان شناخت هیچ یک از پدر، مادر و جدپدری آنان وجود نداشته باشد.

ب- پدر، مادر، جد پدری و وصی منصوب از سوی ولی قهری آنان در قید حیات نباشند.

ج- افرادی که سرپرستی آنان به موجب حکم مراجع صلاحیتدار به سازمان سپرده گردیده و تا زمان دو سال از تاریخ سپردن آنان به سازمان، پدر یا مادر و یا جدپدری و وصی منصوب از سوی ولی قهری برای سرپرستی آنان مراجعه نموده باشند.

د- هیچ یک از پدر، مادر و جد پدری آنان و وصی منصوب از سوی ولی قهری صلاحیت سرپرستی را نداشته باشند و به تشخیص دادگاه صالح این امر حتی با ضم امین یا ناظر نیز حاصل نشود. چنانچه پدر یا مادر یا جدپدری کودک یا نوجوان و وصی منصوب از سوی ولی قهری مراجعه کنند، دادگاه در صورتی که آنان را واجد صلاحیت لازم ولو با ضم امین یا ناظر تشخیص دهد و مفسده مهمی نیز کودک یا نوجوان را تهدید نکند، با اخذ نظر سازمان با رعایت حق حضانت مادر و تقدم آن نسبت به استرداد آنان حکم صادر می‌کند در غیر این صورت حکم سرپرستی ابقاء می‌شود. در صورت وجود اقارب طبقه دوم و تقاضای هر یک از آنان و وجود شرایط، سرپرستی به وی واگذار می‌شود و در صورت تعدد تقاضا و یکسانی شرایط متقاضیان، سرپرست با قرعه انتخاب می‌گردد. در صورت نبود اقارب طبقه دوم بین اقارب طبقه سوم بدین نحو عمل می‌شود.

آثار سرپرستی

براساس ماده ۱۷ قانون حمایت از کودکان و نوجوان بی سرپرست و بدسرپرست تکالیف سرپرست نسبت به کودک یا نوجوان از لحاظ نگهداری، تربیت و نفقه، با رعایت تبصره ماده (۱۵) و احترام، نظیر تکالیف والدین نسبت به اولاد است. کودک یا نوجوان تحت سرپرستی نیز مکلف است نسبت به سرپرست، احترامات متناسب با شأن وی را رعایت کند.

نهایتاً دادگاه در صورتی حکم سرپرستی صادر می‌نماید که درخواست‌کننده سرپرستی بخشی از اموال یا حقوق خود را به کودک یا نوجوان تحت سرپرستی تملیک کند. تشخیص نوع و میزان مال یا حقوق مزبور با دادگاه است. در مواردی که دادگاه تشخیص دهد اخذ تضمین عینی از درخواست‌کننده ممکن یا به مصلحت نیست و سرپرستی کودک یا نوجوان ضرورت داشته باشد، دستور اخذ تعهد کتبی به تملیک بخشی از اموال یا حقوق در آینده را صادر و پس از قبول درخواست‌کننده و انجام دستور، حکم سرپرستی صادر می‌کند.

به موجب قانون فوق‌الذکر درخواست‌کننده منحصر یا درخواست‌کنندگان سرپرستی باید متعهد گردند که تمامی هزینه‌های مربوط به نگهداری و تربیت و تحصیل افراد تحت سرپرستی را تأمین نمایند. این حکم

حتی پس از فوت سرپرست منحصر یا سرپرستان نیز تا تعیین سرپرست جدید، برای کودک یا نوجوان جاری می‌باشد. بدین منظور سرپرست منحصر یا سرپرستان، موظفند با نظر سازمان خود را نزد یکی از شرکتهای بیمه به نفع کودک یا نوجوان تحت سرپرستی بیمه عمر کنند.

حکم سرپرستی به هیچ وجه آثار قرابت کودک با ابویین و بستگان واقعی وی را زایل نمی‌سازد و تمام آثار قانونی قرابت واقعی از قبیل منع ازدواج با ارقاب نسبی و رضاعی و ارث بردن فرزند از ابویین واقعی و اقارب و متقابلاً ارث بردن نامبردگان از فرزند، همچنان باقی خواهد بود و بدین جهت است که گفته‌اند حکم سرپرستی باعث می‌شود که اقتدار پدر و مادر حقیقی در باب نگاهداری و تربیت فرزند به سرپرست منتقل شود لیکن سایر آثار قرابت به جای خود می‌ماند.

بنابراین:

فرزندخوانده نمی‌تواند با خویشان نسبی و رضاعی خویش [در حدود ممنوعیت‌های قانونی] نکاح کند و حکم سرپرستی هیچ تغییری در منع قانونگذاری نمی‌دهد.

فرزندخوانده از اقوام واقعی خود ارث می‌برد و ترکه او نیز، با رعایت قواعد ارث، از او ارث می‌برند، لیکن هرگاه عین اموالی که زوج سرپرست به فرزندخوانده بخشیده‌اند موجود باشد، به خودشان باز می‌گردد و جزء ترکه به وارث منتقل نمی‌شود.

احکام مربوط به الزام انفاق در روابط بین فرزندخوانده و پدر و مادر و اجداد واقعی اجراء می‌شود. منتها زمانی که کودک به سرپرستی نیاز دارد، زوجین سرپرست در اجرای این تکلیف مقدم بر آنان هستند.

گفتنی است که صدور حکم سرپرستی، به هیچ وجه موجب قطع پرداخت مستمری که به موجب قانون به کودک یا نوجوان تعلق گرفته یا می‌گیرد، نمی‌شود.

شخصی که سرپرستی افراد تحت حمایت این قانون را بر عهده می‌گیرد از مزایای حمایتی حتی اولاد و مرخصی دوره مراقبت برای کودکان زیر سه سال (معادل مرخصی دوره زایمان) بهره‌مند می‌باشد. کودک یا نوجوانان تحت سرپرستی نیز از مجموعه مزایای بیمه و بیمه‌های تکمیلی وفق مقررات قانونی برخوردار خواهد شد. صدور گذرنامه و خروج کودک یا نوجوانان تحت سرپرستی از کشور منوط به موافقت سرپرست منحصر یا سرپرستان و دادستان است. دادستان پس از جلب نظر کارشناسی سازمان با رعایت مصلحت، اتخاذ تصمیم می‌نماید. چنانچه خروج از کشور در دوره آموزشی باشد، سرپرست منحصر یا سرپرستان باید تضمینی مناسب جهت بازگشت کودک یا نوجوانان تا پایان دوره آزمایشی، به دادستان بسپارد. ضمناً سازمان مکلف است به طریق اطمینان بخشی در مورد رعایت حقوق کودک یا نوجوانان در خارج از کشور اقدام لازم را به عمل آورد. در صورتی که مسافرت کودک یا نوجوانان به خارج بر وی واجب باشد مانند سفر حج تمتع؛ مفاد این ماده اجراء نخواهد شد. سرپرست یا سرپرستان در هر حال باید موضوع را به سازمان و دادستان اطلاع دهند.

خاتمه سرپرستی

براساس ماده ۲۵ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست، حکم سرپرستی، پس از اخذ نظر کارشناسی سازمان، در موارد زیر فسخ می‌شود:

الف- هر یک از شرایط مقرر در ماده (۶) این قانون منتفی گردد.

ب- تقاضای سرپرست منحصر یا سرپرستان در صورتی که سوء رفتار کودک یا نوجوان برای هریک از آنان غیرقابل تحمل باشد.

ج- طفل پس از رشد با سرپرست منحصر یا سرپرستان توافق کند.

د- مشخص شدن پدر یا مادر یا جد پدری کودک یا نوجوان و یا وصی منصوب از سوی ولی قهری در صورتی که صلاحیت لازم برای سرپرستی را ولو با ضم امین یا ناظر از سوی دادگاه، دارا باشند.

در صورت درخواست فسخ حکم سرپرستی، دادگاه صلاحیتدار که همان دادگاه خانواده است وارد رسیدگی خواهد شد و قبل از صدور حکم فسخ سرپرستی در هر مورد سعی خواهد نمود که اقدامات لازم را در جهت بقای سرپرستی به عمل آورد. در صورت عدم توفیق بر حفظ موجود، دادگاه حکم فسخ سرپرستی را صادر که براساس مقررات آیین دادرسی مدنی به افراد ذینفع ابلاغ می‌شود و پس از قطعیت دادنامه صادره، مراتب به وسیله دادگاه صادرکننده حکم بدوی برای تصحیح شناسنامه و اسناد سجلی مربوط به اداره ثبت احوال اعلام می‌شود و اداره ثبت احوال پس از وصول و ابلاغ شدن دادنامه قطعی، نام پدرخوانده و مادرخوانده را از شناسنامه و اسناد سجلی طفل یا فرزندخوانده کبیر با توضیح لازم حذف و شناسنامه قبلی را اخذ و بایگانی کرده، شناسنامه جدیدی برای طفل صادر خواهد کرد و اگر پدر و مادر واقعی طفل یا فرزندخوانده در دادنامه صادره مشخص شده باشد، نام آنان در شناسنامه جدید درج می‌گردد، در غیر این صورت شناسنامه جدید با ذکر نام پدر و مادر فرضی صادر و تسلیم خواهد شد (امامی، ۱۳۷۹، شماره ۳، ص ۲۳)

ضمناً در صورت فوت یا زندگی مستقل و جدایی هریک از سرپرستان یا وقوع طلاق بین آنان، دادگاه می‌تواند با درخواست سازمان و با رعایت مفاد این قانون، سرپرستی کودک یا نوجوان را به یکی از زوجین یا شخص ثالث واگذار نماید. رعایت نظر کودکان بالغ در این خصوص ضروری است.

دادستان و سازمان در صورتی که ضرورت فسخ حکم سرپرستی را احراز نمایند، مراتب را به دادگاه صالح اعلام می‌کنند. در صورت فسخ حکم سرپرستی تا زمان تعیین سرپرست یا سرپرستان جدید تغییری در مشخصات سجلی فرد تحت سرپرستی صورت نخواهد گرفت.

نتیجه:

همانطور که ملاحظه شد سرپرستی در حقوق ایران دارای سابقه و پیشینه نسبتاً طولانی است و امروزه و مطابق با قوانین جدید، تقاضانامه درخواست کنندگان سرپرستی باید به سازمان بهزیستی ارائه گردد، و موارد مرتبط با آن در دادگاه خانواده حل و فصل می‌گردد.

در حقوق فرانسه نیز فرزندخواندگی به دو نوع ساده و کامل تقسیم می‌شود، فرزندخواندگی کامل، رابطه عمیق‌تری بین اولیاء فرزندخواندگی و فرزندخوانده ایجاد می‌کند و در مقابل فرزندخواندگی ساده، علقه‌های خود را با والدین حقیقی خود حفظ می‌کند. در حقوق انگلستان نیز تمام مسئولیت والدین به پدرخوانده و مادرخوانده انتقال داده می‌شود. اثر حکم فرزندخواندگی، قطع مسئولیت و حقوق والدین اصلی و انتقال مسئولیت و حقوق به شخص یا اشخاص پذیرنده (والد یا والدین پذیرنده) می‌باشد. پس از اتمام مرحله پایانی فرزندخواندگی، هیچ اختلاف و تفاوت حقوقی و قانونی، بین فرزندان به فرزندی پذیرفته شده و آن بچه‌هایی که توسط این والدین به دنیا آمده‌اند وجود ندارند.

همانطور که بیان گردید در فرزندخواندگی، آثار حقوقی بر روابط طرفین بار می‌شود که مسایلی از قبیل ارث، حضانت، نفقه، ازدواج و... از جمله آنها است. در حقوق ایران دانستیم که در مورد ازدواج سرپرستان با فرزندخوانده چون این رابطه، از پیوندهای مرسوم نیست، فقها حکم به جواز ازدواج داده‌اند و چون برخی از فقیهان به شرایط اضطراری و عدم امکان حجاب در این موارد استناد کرده‌اند، در مورد محرمیت ازدواجی، وضعیت را اضطراری نمی‌بینند، لذا حکم به جواز ازدواج می‌دهند.

در حقوق انگلیستان، به طور مؤثر در خصوص ارتکاب زنا یا محارم پرداخته شده و همراه است با دو گروه گسترده‌تر از جرایم ارتکابی که شامل جرائم جنسی خانوادگی در خصوص اطفال و همچنین جرایم جنسی با اشخاص بالغ که رابطه فامیلی دارند. در قانون انگلستان هرگونه رابطه جنسی یک فرد بزرگسال با اشخاصی که به عنوان پدر و مادر (از جمله پدر و مادرخوانده)، پدرزرگ و مادرزرگ، فرزند (از جمله فرزندخوانده)، نوه، برادر، خواهر، برادر ناتنی، خواهر ناتنی، عمو، عمه، برادرزاده یا خواهرزاده مربوط، غیرقانونی است.

در فرانسه نیز ازدواج‌های فامیلی که ارتباط خویشاوندی نزدیک به یکدیگر دارند توسط قانون و یا رسومات لازم‌الاجرای ارسالی ممنوع اعلام شده است. در این کشور، در قانون ازدواج همجنس‌گرایان صریحاً اعلام شده که ازدواج بین برادران یا خواهران ممنوع است.

در مورد روابط مالی و ارث نیز باید گفت که همواره توارث فرزندخوانده با یکی از دو خانواده نفی شده است و تنها امری که برای تعدیل نتایج قانونی در نظر گرفته شده است، وصیت یا چیزی شبیه به آن بوده که حسب مورد توسط خویشان واقعی یا پذیرندگان به نفع شخص پذیرفته شده صورت می‌گیرد.

در حقوق انگلستان نیز با صدور قرار فرزندخواندگی از ناحیه دادگاه، حقوق و تکالیف والدین طبیعی یا قیم ملغی می‌شود این حقوق و تکالیف به کسانی که کودک را به فرزندخواندگی پذیرفته‌اند، منتقل می‌شود.

با وقوع فرزندخواندگی، فرض می‌شود که کودک، فرزند مشروع پدر و مادر اکتسابی بوده و بسیاری از علایق قبلی از بین می‌رود. فرزند خوانده‌ها دارای همان حقوقی که کودکان طبیعی متولد شده از سرپرستان در خلال زناشویی دارند مانند ارث و حقوق ناشی از وصیتنامه و... خواهند بود، مگر این که فرزندخوانده به صراحت استثناء شده باشد.

در مورد نفقه نیز حقوق ایران در قانون حمایت از کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست مصوب ۱۳۹۲ و در ماده ۱۷ قانون موصوف مقرر شده است که تکالیف سرپرست نسبت به کودک یا نوجوان از لحاظ نگهداری، تربیت و نفقه، با رعایت تبصره ماده (۱۵) و احترام، نظیر تکالیف والدین نسبت به اولاد است. کودک یا نوجوان تحت سرپرستی نیز مکلف است نسبت به سرپرست، احترامات متناسب با شأن وی را رعایت کند. اصولاً در حقوق ایران، در اصل تعهد پذیرندگان به انفاق فرزندخوانده تردیدی وجود ندارد و در حقوق فرانسه نیز، چه در فرزندخواندگی ساده و چه در نوع کامل آن چنین است. در نوع کامل، پذیرندگان جای والدین را می‌گیرند و بستگان آنها نیز دارای جایگاه خویشاوندان ابوی هستند. در فرزندخواندگی ساده نیز میان پذیرندگان و فرزندخوانده نسبت جدیدی ایجاد می‌شود که الزام به انفاق از نتایج آن است. گفتنی است که در حقوق فرانسه در فرزندخواندگی ساده، اگرچه میان فرزندخوانده و پذیرندگان حق نفقه متقابل ایجاد می‌شود، اما تکلیف خویشاوندان واقعی طفل نیز در این زمینه پابرجا می‌ماند. با وجود این، تکلیف ابوی جز در فرض ناتوانی پذیرندگان بر عهده آنان قرار نمی‌گیرد و به بیان دیگر، تکلیف آنان در طول تکلیف پذیرندگان و منوط به عدم تمکن آنها است. (ماده ۳۶۷ قانون مدنی فرانسه). پس تعهد پذیرنده به انفاق، اصیل است در حالی که تعهد پدر و مادر طبیعی، نسبت به تعهد پذیرنده فرعی است. والدین طبیعی ملزم به انفاق فرزندخوانده نیستند. مگر او از دریافت نفقه از پذیرنده عاجز باشد.

پیشنهادها:

همانطور که در متن پژوهش حاضر ملاحظه گردید، قوانین مرتبط با حوزه فرزندخواندگی قوانینی چند پارچه است که در برخی موارد با همدیگر متناقض بوده و موجبات نقض همدیگر را فراهم آورده‌اند. لذا پیشنهاد می‌گردد.

با توجه به قوانین کشورهای نظیر انگلستان و فرانسه که در این زمینه بسیار تحقق تفحص نموده‌اند و ثانیاً با نگاهی به قوانین و اسناد بین‌المللی نظیر کنوانسیون حقوق کودک و ثالثاً با تأکید بر فقه شیعه و عرف روز جامعه و رابعاً با استفاده از نظریات دکتربین و کارشناسان امر قانون جامع و مانعی تصویب گردد تا معضلات کنونی که بش اعظمی از آن در داخل فصول پایان‌نامه مورد اشاره قرار گرفت برطرف گردد. باید نظریات فقهی در باب آثار حاکم بر فرزندخواندگی با مقتضیات زمانی و مکانی هماهنگ شده و با استفتاء و اخذ نظرات مجتهدان برتر شیعه در زمینه موارد اختلافی به یک اجماعی دست یابیم که مشکلاتی

نظیر ازدواج فرزندخوانده با سرپرست و... که مورد اختلاف فقهی بود، به صورت دقیق‌تری و با توجه به خواست، عرف و فرهنگ روز برطرف گردد.

فهرست منابع و مآخذ

- ترازوی، سکینه، بررسی فرزندخواندگی در حقوق ایران، انگلستان و سوئد، نشریه پیام آموزش، شماره ۳۸، ۱۳۹۳.
- توسلی نائینی، منوچهر، فرزندخواندگی در کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ و مقایسه آن با حقوق ایران، نشریه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴، دوره ۳۹، ۱۳۸۸.
- متولی، سید محمد، قانون حاکم بر فرزندخواندگی از نظر مقررات داخلی و حقوق بین الملل خصوصی ایران، پایگاه اینترنتی حقوق گستر، ۱۳۹۰، به آدرس الکترونیکی
- مختاری افراکتی، نادر و عباسی، فهیمه، مقایسه قوانین فرزندخواندگی در ایران و هندوستان، نشریه پژوهش علوم انسانی دانشگاه اصفهان، سال پنجم، شماره ۲۶، ۱۳۹۲. www.Lawgostar.com
- Ambrios Coline €: Droit Civil. Paris 1991 Encyclopedie Juridieue.
- Charrier (f), adoption fonction social. J. C. P, 1994.
- Encyclopedle Juridique. Tome 1 adoption article par: solang betan-Robert. Arill. 1997 Dalooz paris.
- John Bqll. Sophie Boyron. Simon Whittaker. Principles of French law. Oxford 1998.
- Juqueline rubline-devichice, droit de la famille, dalloz action 1999. N. 1603.
- La loi wur le mariage homosexual a precise que le mariage entre freres ou entre soeurs est egalement interdit Padfild and Barke, op. cit. PE01599: Adult Consensual Incest (ACI)". Scottish Parliament. Retrieved 20 March 2016.
- Padifild and Barke,op.cit, p:162.
- www.adoptionmatters.Org.
- www.Adoptionuk.com.
- www.Adoptionuk.com.

